

تبیین چندگانگی مقوله جوهر در آثار خواجه نصیرالدین طوسی

مهدی دشت‌بزرگی^۱، محمداسماعیل عبدالهی^۲، محمد کرمی‌نیا^۳

چکیده

خواجه نصیرالدین طوسی در آثارش گاه دو رأی مختلف در مورد یک مسئله علمی ارائه داده است، یکی بشیوه اهل کلام و دیگری بشیوه فلاسفه. در وهله نخست ممکن است تصور شود که خواجه به ورطه تعارض فرو افتاده است اما تحلیل مباحث نشان میدهد که این تعارضها صوری هستند و در چارچوب نظام کلی اندیشه وی قابل تبیینند. یکی از این موارد متعارض درباره مقوله جوهر است. خواجه در آثار منطقی خود جوهر را همانند حکمای مشاء، مقوله یا جنس الاجناس شمرده اما در تجرید الاعتقاد، جوهر را معقول ثانی دانسته است. مقاله پیش‌رو به تبیین این چندگانگی مقوله جوهر پرداخته، سپس در مقام داوری، احتمالات ممکن را مطرح کرده و از میان آنها، رأی که بنظر میرسد با واقعیت مطابق است را بعنوان نظر مختار نویسندگان، معرفی مینماید. مقاله با استناد به عبارات خواجه نصیر و در نظر داشتن موقعیت اجتماعی و علمی دوره حیات وی که با هجمه گسترده متکلمان بر ضد فلاسفه مواجه بود،

۱۳۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۹ نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان، ایران؛ mhdikzt@yahoo.co.uk

۲. عضو هیئت علمی گروه ادیان و فرق حوزه علمیه قم، دکترای عرفان و تصوف اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛ m.s.abdollahy@hotmail.com

۳. دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

karaminia.mohammad@yahoo.com



سال یازدهم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۹
صفحات ۱۵۲-۱۳۷

همچنین با توجه به شخصیت متعادل و حق‌محور و دانش‌دوست خواجه، نشان می‌دهد که این تعارض بدوی است نه واقعی. این تحقیق بر اساس پژوهش در آثار خواجه نصیر و بروش کتابخانه‌یی صورت گرفته است؛ گرچه گاه بضرورت بحث، دیدگاه‌های شارحان وی نیز مد نظر بوده است.

کلیدواژگان: تعارض، جوهر، خواجه نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، تجرید الاعتقاد.

مقدمه

خواجه نصیرالدین طوسی در زمره بزرگترین و پرنفوذترین عالمان مسلمان سده هفتم هجری قلمداد می‌شود. او دانشمندی ذوفنون و دارای ابتکارات فراوان و آثاری سترگ است. اندیشه‌های راقی او تا قرن‌ها پس از وی، بر فضای فلسفه و کلام اسلامی پرتو افکنده بود.

کلام و فلسفه گاه با یکدیگر ستیز داشته‌اند؛ چه بشکل مجادلات علمی و چه بصورت تکفیر و تعییر. گاهی نظریه‌یی فلسفی مورد شدیدترین ایرادات اهل کلام واقع شده و گاهی نیز نظریات کلامی، از سوی فلاسفه بیچالش کشیده شده است. از آنجا که برخی از مباحث مشترک میان این دو علم، مسائل اعتقادی هستند، این نزاع حساسیت بیشتری داشته است. بر همین اساس، بعضی وجود برخی تفاوتها در نظریات کلامی و فلسفی خواجه نصیرالدین را حمل بر تعارض کرده‌اند و بعضی وی را از چنین تعارضی مبرا میدانند. گروهی معتقدند خواجه نصیر نیز مانند عده‌یی دیگر از اندیشمندان، دچار تحوّل فکری شده و این اختلافها مربوط به دورانهای گوناگون فعالیت علمی و معرفتی وی بوده است. ولی خواجه همزمان هر دو عرصه را در اندیشه خود حاضر داشت؛ تسلط و تبحر فراوان، به او این امکان را داده بود که هنگام قلم زدن در عرصه کلام و برای دستیابی به اهداف بزرگی که داشت، جانب

۱۳۸



سال یازدهم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۹